

در آمدی بر رهبری سیاسی امام خمینی

با تاکید بر
عمل نهادی، مدیریت نخبگان و رابطه مردمی

دکتر سیدرضا شاکری

سرشناسه	: شاکری، سیدرضا، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: درآمدی بر رهبری سیاسی امام خمینی با تاکید بر عمل نهادی، مدیریت نخبگان و رابطه مردمی / سیدرضا شاکری.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: س. ۳۶۵ ص.
شابک	: ۶ - ۴۶۶ - ۲۱۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۳۵۱] - ۳۶۵.
موضوع	: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ / رهبری سیاسی -- ایران / رهبری (اسلام).
شناسه افزودن	: مؤسسه چاپ و نشر عروج، جهاد دانشگاهی.
رده‌بندی سکره	: ۴۴ د ۲ / ۱۵۷۷ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵ / ۰۸۴۲
شماره کتابشناسی می	: ۴۰۰۷

کد / م ۲۹۹۷



پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات اجتماعی



مؤسسه چاپ و نشر عروج

درآمدی بر رهبری سیاسی امام خمینی با تاکید بر عمل نهادی، مدیریت نخبگان و رابطه مردمی

تألیف: سیدرضا شاکری

ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س))

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

• فروشگاه شماره یک: خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پاساژ ظروفی، تلفن: ۶۶۴۹۳۰۸۱ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• فروشگاه شماره دو: خیابان انقلاب، چهار راه حافظ، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: امور نمایندگان و نمایشگاهها، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳

• امور سفارشات و بازرگانی، تلفن: ۶۶۴۸۹۱۶۰

• فروشگاه مجازی مؤسسه عروج www.roujpub.com

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

<http://imam-khomeini.ir>

فهرست مطالب

ا	سیاسگردی.....
ج	سخن ناشر.....
ه	پیشگفتار.....
۱	فصل اول: روش‌شناسی و تدوین مفه‌های رهبری سیاسی.....
۳	مقدمه.....
۴	۱. اصطلاح رهبری و واژگان همانند آن.....
۸	۲. واژه امام و ابعاد مفهومی آن.....
۱۲	۳. اهمیت و جایگاه رهبری سیاسی در ایران معاصر.....
۱۵	۴. چارچوب نظری.....
۲۵	۵. روش پژوهش.....
۲۹	۶. نظریه‌های رهبری سیاسی.....
۳۵	۶-۲. افلاطون و رهبری سیاسی.....
۴۱	۷. رهبری سیاسی به مثابه یک مفهوم علمی - نظری.....
۴۱	۷-۱. جایگاه «مفهوم» در علوم انسانی و اجتماعی.....

۴۹	۲-۷. مفهوم رهبری سیاسی
۵۲	۸. شاخص‌های رهبری سیاسی
۵۳	۱-۸. رهبری سیاسی چونان رابطه‌ی انسانی
۵۴	۲-۸. رهبری سیاسی به‌مثابه فرایند
۵۵	۳-۸. رهبری سیاسی چونان مجموعه‌ای از کیفیت‌ها
۶۰	۹. اهمیت مسئله‌خیز
۶۳	۱۰. کارکردهای رهبری سیاسی
۶۴	۱-۱۰. کارکرد تشخیص
۶۵	۲-۱۰. کارکرد فرهنگی
۶۶	۳-۱۰. کارکرد بسیج‌گر
۶۸	نتیجه‌گیری
۷۳	فصل دوم: زمینه‌های فکری، تاریخی و اجتماعی - سیاسی رهبری سیاسی
۷۵	مقدمه
۷۶	۱. طبقه‌بندی علوم شرعی و جایگاه سیاست
۸۰	۲. عرفان و فقه: بستر شکل‌گیری اندیشه سیاسی
۸۷	۳. اخلاق و عرفان و شکل‌گیری اندیشه سیاسی
۹۳	۴. استلزام‌های سیاسی عرفان
۱۰۱	۵-۱. کودکی و نوجوانی سیدروح‌الله
۱۰۵	۵-۲. زمینه‌های سیاسی و اجتماعی
۱۱۱	۵-۳. فضای انقلابی
۱۱۷	۵-۴. پیامدهای سیاست‌ها و برنامه‌های پهلوی‌ها

- ۵-۵. فاعلیت سیاسی و اراده معطوف به قدرت ۱۲۴
- ۵-۵-۱. جایگاه نهادی حوزه علمیه قم ۱۲۶
- ۵-۵-۲. فاعلیت سیاسی امام خمینی و ابعاد آن ۱۳۰
- ۵-۶. شکل‌گیری رهبری انقلابی ۱۳۷
- ۵-۶-۱. اقدام‌ها و فعالیت‌های امام خمینی ۱۳۸
- ۵-۶-۲. کلیدواژه‌ی «امام» ۱۴۱
- ۵-۶-۳. مطالبه‌ی عمومی تأسیس حکومت اسلامی ۱۴۴
۶. کارکردهای رهبری امام خمینی ۱۴۶
- ۶-۱. کارکرد تشخیصی ۱۴۶
- ۶-۲. کارکرد تأسیسی ۱۵۰
- ۶-۳. کارکرد بسیج‌گری ۱۵۲
۷. شاخص‌های رهبری سیاسی امام خمینی ۱۵۵
- نتیجه‌گیری: ۱۶۳
- فصل سوم: ابعاد عمل نهادی در فرایند رهبری سیاسی ۱۶۵
- مقدمه ۱۶۷
۱. مفهوم عمل نهادی ۱۶۸
۲. تحلیل نهادی ۱۶۹
۳. شکل‌گیری رهبری نهادی: آگاهی و عمل ۱۷۳
۴. بسترها و زمینه‌های فهم عمل نهادی ۱۷۷
۵. جمهوری اسلامی؛ ساختار نهادی کلان و مرجع (نظام سیاسی) ۱۸۱
۶. ابعاد و مؤلفه‌های عمل نهادی ۱۸۶

۱۸۹	۷. موج اول: دوران مبارزه
۱۹۵	۸. موج دوم: تأسیس نهادهای انقلابی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران
۱۹۶	۸-۱. تأسیس، تحکیم و مراقبت از نهادهای سیاسی
۲۱۹	۸-۲. قانونمندی و محوریت قانون
۲۲۴	۸-۳. نظارت‌های غیرمستقیم
۲۲۷	۹. موج سوم: عمل‌نهادی سیاسی
۲۴۱	۹-۱. پی‌بورد فایز، ملی‌نهادهای سیاسی در فرایند عمل‌نهادی
۲۴۵	۹-۲. جنگ و مدیریت آن در فرایند عمل‌نهادی
۲۵۲	۹-۳. مصلحت و - ایگ آن در فرایند عمل‌نهادی
۲۵۷	نتیجه‌گیری
۲۵۹	فصل چهارم: مدیریت بر نخبگان سیاسی
۲۶۱	مقدمه
۲۶۲	۱. تأملاتی نظری - تحلیلی در شکل‌گیری نخبگان سیاسی در نظام سیاسی انقلابی
۲۷۰	۲. وضع انقلابی و شکل‌گیری نخبگان سیاسی در عصر رهبری امام خمینی
۲۸۶	۳. نخبگان سیاسی بیرون از حوزه رسمی
۲۹۰	۴. سازکارهای خاص مدیریت امام بر نخبگان سیاسی
۲۹۰	۴-۱. تعامل انسانی
۲۹۳	۴-۲. اعتماد به نخبگان و حمایت از آنها
۲۹۴	۴-۳. وحدت نخبگان و دولتمردان
۲۹۵	۴-۴. محوریت کار جمعی نخبگان
۲۹۵	۴-۵. سازکار رفع اختلاف با توافق و اجماع

۲۹۷.....	نتیجه گیری:
۳۰۱.....	فصل پنجم: امام خمینی و رابطه مردمی
۳۰۳.....	مقدمه
۳۰۷.....	۱. سطوح شناختی مفهوم مردم در رهبری امام خمینی
۳۱۲.....	۲. مفهوم مردم به مثابه چهره عمومی سیاست
۳۱۵.....	۳. مفهوم مردم به سان نقش و کارکردهای آن در عرصه سیاسی
۳۲۰.....	۴. رابطه امام خدش با مردم
۳۲۴.....	۵. نقش زین در رابطه مردم و رهبری سیاسی
۳۲۶.....	نتیجه گیری
۳۲۹.....	پيگفتار و پیشنهادها
۳۳۲.....	۱. تجربه امام خمینی: از عاملیت سیاسی رهبری سیاسی
۳۴۵.....	۲. راهبردهایی برای آینده
۳۴۹.....	منابع

«کشور در حال حاضر ورشکست شده است و همه چیز از بین رفته است. با استقرار جمهوری اسلامی، ساختمان واقعی و حقیقی کشور شروع خواهد شد.» (صحیفه امام، جلد ۴: ۲۴۴)

«خود حیات سیاسی مسائل اصلی را به نظریه پرداز سیاسی عرضه می‌کند و باعث می‌شود سلسله اموری بحث انگیز جلوه کنند و سلسله پرسشهای متناظری. موضوعات اصلی بحث و مناقشه گردند.» (اسکینر، ۱۳۹۳)

پیش‌گفتار

رهبری سیاسی همواره سیاست است. این به سرشت امر سیاسی و موضوع سیاست باز می‌گردد که در آن آثار باید پشتوانه عمل قرار بگیرد تا سیاست که به مدیریت منازعات و اختلافات در جامعه می‌پردازد بتواند به این هدف نایل آید. بدین ترتیب نظم، بنیاد رهبری سیاسی قرار دارد. در جهان باستان مانند چین، ایران و مصر در باب رهبری سیاسی آثار و نوشته‌هایی تولید شد. ما به صورت مستقل و با روش فلسفی نخستین بار در یونان باستان بود که از رهبری سیاسی در همپرسه‌های سقراط و فلسفه افلاطون و ارسطو سخن رفت. از جهان باستان تا امروز جوامع کنونی ضرورت رهبری سیاسی همواره و پیوسته در نظر و عمل پی گرفته شده است. محتوای اندیشه‌ها و نظریه پردازی‌ها در باره آن سخت متأثر از شرایط جوامع و مشکلات و بحران‌هایی بوده است که متفکران آن کشورها در صدد فائق آمدن بر آن‌ها بوده‌اند.

در دوران همروزگار که مدرنیته و مدرنیزاسیون از اروپا به سراسر مناطق دیگر زمین گسترش می‌یافت، با خود چالش‌ها و دگرگونی‌های ناگزیری را در پی آورد که ملت‌های غیر اروپایی را به تکاپو انداخت تا به حضور خود در شرایط و جهان تازه بیندیشند. آنان از یک سوی با نیازها و واقعیت‌هایی بیرون از اراده و خواستشان دست و پنجه نرم می‌کردند و از سوی دیگر پای و دل در تاریخی داشتند که میراث، هویت و سنت ایشان بود. در فرایند گسترش یابنده تجدد و نوگرایی، سیاست نیروی

تعیین‌کننده‌ای بود که در دو شکل مستقل و یا وابسته در تعیین سرنوشت و آینده این جوامع نقش تعیین‌کننده و اصلی را ایفا کرد. سیاست افزون بر نقشی که در محافظت از نظم و بازتولید آن بر عهده داشت، به ضرورت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و یا دست کم مجهز شدن به ابزارها و فناوری‌های تازه در ترقی و پیشرفت کشور می‌اندیشید. بدین ترتیب مرجعیت سیاست در دوران معاصر رفته رفته مورد تأیید و پذیرش عام قرار گرفت. از این نقطه عزیمت رهبری سیاسی به عنوان عاملیت و اراده عملی وابسته بر پشت پرده سیاست جامعه نیز موضوعیت و برجستگی یافته و به واقعیتی انکارناپذیر بدل شد. اروپایان در سده هجده و نوزده میلادی در اندیشه دستیابی به ثروت و نیز شناخت هرمنند سرزمین‌های غیر اروپایی به ایجاد پدیده تازه استعمار دست زدند. استعمار بناگزیر تارمست به رهای تحت اشغال مستقیم یا وابسته را در پی آورد. مردم با شکل دادن به قیام‌ها و جنبش‌های رده و درشت به رویارویی خشن و مستقیم پرداخته و استقلال‌طلبی‌ها به خروج اعمارگران انجامید. اما در کشورهایی که استعمار حضور مادی و مستقیم و اشغالگرانه نداشت اهداف از طریق روی کار آوردن حکومت‌های وابسته پی گرفته می‌شد.

در متن و معرکه این منازعات غرب/شرق یا استعمار/مقاومت، شماری از کشورهای جهان در نیمه دوم سده بیستم میلادی دگرگونی‌های بنیادین را از سر گذراندند. چرایی این وضعیت و تبیین نظری و تاریخی تحولات در جای خود مهم و تاکنون نیز پیرامون آن مناقشات و تأملات و پژوهش‌های فراوانی در پی آمده و پیرامونش نظروری شده است. گو این‌که مسئله تجدد و بحران آگاهی در این بررسی‌ها و دوره‌های تاریخی محور مشترک آنهاست. در کنار این ضرورت هنوز باقیمانده، ما با واقعیتی به نام تغییر گسترده و گاه ناگهانی و خشونت‌بار در این مملکت‌ها روبرویم که آن نیز نیازمند بررسی است. به یاد آوریم که در اروپا نظم سیاسی و روح قانون و حیث نهادی آن از دو یا سه سده پیش ثبات داشته و ما تنها شاهد جابجایی قدرت‌ها و

پیشگفتار / از

حکومت‌ها بوده‌ایم که امری طبیعی است. این فرایند پیوند سیاست و جامعه را استوارتر ساخته و امنیت، ثبات، رفاه و پیشرفت و توسعه را با خود به همراه آورده است. اندیشه درست متفکران و روشنفکران این بود که مبارزه و مقاومت کوتاه‌مدت است. آنچه اساسی است کوشش برای پی افکندن مناسباتی برای زندگی سیاسی و اجتماعی در شرایط تازه و ایجاد ساختارها و نهادهای لازم برای آن است. به بیان دیگر مبارزه و مقابله در شرایط قبض و محدودیت‌آور اتفاق می‌افتاد و هدف از آن زمینه‌سازی و هموار کردن راه گذار به ساختارها و نهادهایی است که بتوانند امر عمومی را نمایندگی و عملی کنند. از این روی مبارزات و انقلاب‌ها به طور طبیعی اموری موقت بودند، اما ساماندهی و برقراری نظم تازه و مبتنی بر واقعیت‌های جدید و تجربه و تاریخ و ارزش‌های بومی امری پایدار و همیشگی بود که می‌بایست از مسیرهای مختلف پی‌گیری می‌شد. این کشورها در معرض اطمینان تازه‌ای برای زندگی سیاسی و جمعی قرار داشتند. بنابراین پدیده جنبش‌های مردمی و اجتماعی و سیاسی تنها سودای بیرون راندن بیگانگان یا دست نشاندهگان آنان را نداشت، بلکه خواست ایجاد نظم و سامان تازه‌ای را پی می‌گرفت.

از میان کشورهای آسیایی که در ربع پایانی قرن بیستم تکانه دگرگونی شدید را آزمود، ایران است. در پی روی کارآمدن حکومت پهلوی و در پیش گرفتن سیاست‌های شدیداً انقباضی و آمرانه فاصله دولت و ملت رفته رفته بیشتر و بیشتر و سرانجام در ۱۳۵۷ این حکومت سرنگون و تجربه‌ای تازه از نظم و زندگی سیاسی آغاز شد. در این دگردیسی سه گانه «نظم - بی‌نظمی - نظم» نیروهای دخیل و نیروهایی مشارکت داشتند. در میان نیروهای مشارکت کننده حضور یک تن تعیین کننده و سازنده بود و آن سیدروح الله مصطفوی یا امام خمینی است. او بر فراز ساختار سهمی و شبکه‌ای نیروهای دخیل و نیروهای مشارکت کننده قرار گرفت و گذار از «بی‌نظمی به نظم» را سامان داد. این واقعیت را در زبان علم سیاست با مفهوم «رهبری» بیان می‌کنند. منظور

از «قرار گرفتن بر فراز» هرگز به معنای القای رقابتی سازماندهی شده و پیروزی یک تن نیست، بلکه مجموعه‌ای از شرایط و زمینه‌ها فراهم گردید و در کنارش شخصی با اندیشه، قابلیت‌های اکتسابی و خَلقی و توان و ویژگی‌های منحصر به خود به امر تغییر همت نمود و نتیجه این شرایط نخست ظهور انقلاب و سپس تأسیس نظام سیاسی تازه بود. این گرگونی تاریخی در ایران معاصر آثار و پیامدهای تعیین‌کننده‌ای برای مردم ایران و رُصه سیاسی منطقه و جهان به همراه آورد که از موضوع بحث بیرون است.

انقلاب‌های بزرگ اجتماعی و سیاسی در سده بیستم میلادی موجب تغییرات جدی و تأثیرگذار در نقشه سیاسی جهان شده و فرصت‌ها و نیز محدودیت‌های پرشماری در سرنوشت و توسعه این جوامع و مناطق دیگر به همراه آوردند. پیروزی انقلاب‌های روسیه، چین، کوبا و ایران و سرریزیدن استعمارزدایی در هند و در دهه پایانی قرن بیستم شکست نظام جدایی‌نازادی به ضرر راببران سیاسی تازه‌ای انجامید که بنیان‌گذار نظام‌های سیاسی بومی و تجربه‌هایی مندرج در اروپا در سرو سامان دادن به زندگی عمومی در میان ملت‌ها شدند. تجربه سیاسی و فرهنگی این کشورها بر فرایندهای سیاسی مناطق پیرامون خود تأثیرات جدی نهاد. برای نمونه پیروزی گاندی و حکومتی که تأسیس نمود الگوی مقاومت در سطح مبارزه و گون مدارا و همزیستی مسالمت‌جویانه در سطح تأسیسی شد. لنین توانست زمینه توسعه جنبش‌های ضد سرمایه‌داری و سپس تجربه حکومت ایدئولوژیک و حزبی تازه را به کشورهای شرقی و حتی برخی کشورهای مسلمان مانند عراق و سوریه منتقل کند. مانو در تلفیق مارکسیسم و کنفوسیوس‌سیسم در نهادسازی سیاسی موفق شد. در ایران امام خمینی توانست در رهبری سیاسی خویش وحدت سیاسی را در نظر و عمل در داخل مملکت و نیز معطوف به نیاز کشورهای مسلمان به کار بندد، به نحوی که امروزه و در پرتو بروز خشونت‌های فرقه‌ای، بازگشت به آن تجربه از رهبری سیاسی یک ضرورت انکارناپذیر می‌نماید.